

مقدمه ناشر

گپی راجع به مجموعه «ماجراهای من و درسام»

تا حالا به این فکر کردین که یه دانش‌آموز توی ۲۴ ساعت شبانه‌روز چی کار می‌کنه؟

- 🕒 هفت هشت ساعت می‌خوابه و استراحت می‌کنه.
- 🕒 حداقل هفت ساعت تو مدرسه‌ست که شیش ساعتش رو سر کلاسه و (احتمالاً) داره درس گوش می‌ده.
- 🕒 حدود یک ساعت تو راه خونه به مدرسه و مدرسه به خونه‌ست.
- 🕒 سه چهار ساعتی هم توی خونه با کتابا و درساش مشغوله و گشتی می‌گیره.
- 🕒 چهار پنج ساعت از وقتش هم می‌ره برای غذاخوردن، حضور در آغوش گرم خانواده و کارای شخصی مهم و بازی‌گوشی (که شامل گوش‌بازی هم می‌شه!).

حُب! با این حساب و کتابا معلوم می‌شه یه دانش‌آموز، ۷۵/۶۲۵ درصد از زمان بیداریش رو با درس و مشق و کتاب و مدرسه و معلم می‌گذرونه با کلی اتفاقات تلخ و شیرین؛ پس بی‌راه نیست که بگیم:

«ماجراهای من و درسام» ماجرای اصلی زندگی یه دانش‌آموزه.

ما توی خیلی‌سبز، این مجموعه رو آماده کردیم چون واقعاً دلمون می‌خواد داستان مدرسه‌رفتن و درس‌خوندن شما و این عمری که به پاش گذاشتین، پایان خیلی خوش و شکوهمندی داشته باشه!

اگه ماجراهای جالب خودتون با درساتون رو به صورت مطلب، عکس، سلفی، خاطره، فیلم و فیلم‌نامه ... برامون بفرستین، خیلی رو سرمون منت گذاشتین. ما حتماً ماجراهاتون رو به جایی (مثلاً تو سایت خیلی‌سبز یا شاید هم چاپ بعدی کتاب) منتشر می‌کنیم.

ماجرای من و فارسی ۱

یک بار معلم ادبیات عزیزمان تصمیم گرفت تمام لغت‌های آخر کتاب ادبیات را از ما بپرسد و قرار شد به ازای هر غلطی که بگوییم، یک بار از روی کل لغات بنویسیم! روز معهود، دبیر گرامی ما را به صف کرد و یکی‌یکی لغات را از ما پرسید! چشمتان روز بد نبیند، قوانین مورفی^۱ یکی‌یکی سراغم می‌آمدند!

نتیجه کار این بود که بنده بایستی سه مرتبه از روی کل لغات با معانی آنها رونویسی می‌کردم و تا دو روز بعد به معلم عزیزمان تحویل می‌دادم! یادم می‌آید که برای تمام کردن این تکلیف (بخوانید جریمه!) یک شب تا صبح بیدار ماندم.

آقا داغون شدم رفت، ها ها ها!!! (با لِهوه آقای همساره بفوانید!)

در واقع، مشکل این است که یادگرفتن لغت جدا از متن کار درستی نیست، هر چند سریع‌تر و راحت‌تر به نظر می‌رسد. این بود که وقتی استاد بزرگوار، آقای احمدوند تصمیم گرفتند که تألیف این کتاب را شروع کنند، به ایشان گفتیم: «آقای احمدوند! ما کتابی می‌خواهیم که علاوه بر اینکه سریع و راحت خوانده شود، بتوان با آن ادبیات را یاد هم گرفت.» آقای احمدوند هم برای ما (یعنی شما) این کتاب را نوشتند و آقای دکتر بقائی گرامی هم مثل همیشه با ایده‌ها و دقت نظرشان کتاب را بهتر نمودند تا شما چیزی برای ۲۰ گرفتن کم نداشته باشید. اگر زمان ما هم کتابی شبیه به کتاب آقای احمدوند بود، شاید من مجبور نمی‌شدم شب تا صبح برای نوشتن جریمه بیدار بمانم، هر چند برای جریمه‌شدن (یا جریمه‌کردن) راه‌های مختلفی وجود دارد! حالا اگر شما این کتاب را خواندید و جریمه نشدید ولی بقیه که نخواندند، جریمه شدند 😊 یا حتی اگر خواندید و جریمه هم شدید 😞 ماجرای خودتان و این کتاب را برایمان ارسال کنید!

۱- روزی یکی از تکنسین‌های زیردست آقای مورفی، مهندس ناسا، اشتباهی در آزمایش انجام داد که ایشان را به دردرس بزرگی انداخت. پس از آن، مهندس مورفی قانونی را بیان کرد که به نام خود ایشان مشهور است و آن این است: «اگر راه‌های متفاوتی برای انجام کاری باشد که یکی از آنها به خرابی یا فاجعه بینجامد، حتماً یک نفر کار را به همان صورت انجام خواهد داد.»

مقدمه مؤلف

ادبیات یعنی ...

وقتی که آثار ادبی مختلف رو می‌خوندم همیشه دلم می‌خواست بهترین جواب رو برای این سؤال پیدا کنم که «ادبیات یعنی چی؟»
خب، کم و بیش به نتایجی هم رسیدم؛ مثلاً اینکه فهمیدم هر شاعر یا نویسنده از جمله رودکی، سعدی، مولوی، حافظ، بیهقی و خلاصه همه و همه؛ نگاه، خواسته‌ها و آرزوهای خودشون و دوره و زمونه‌شون رو در قالب کلمات برای ما به یادگار گذاشتن و البته چون هر کدوم در زمینه خاصی شعر گفتن یا مطلب نوشتن، پس کلماتشون هم خیلی با هم فرق داره. اما باز فکر کردم که اشتراک این آثار چیه که ما به همه اونا می‌گیم «اثر ادبی»؟

برای رسیدن به نتیجه، یه بار دیگه آثار ادبی مختلفی رو با این دید خوندم. آخر سر فهمیدم که راز ادبی بودن همه اونا «قشنگ و زیبا بیان شدن» شونه؛ مثلاً فردوسی خیلی قشنگ، آرزوها، اسطوره‌ها و تاریخ مردم ما رو بیان کرده؛ ناصر خسرو خیلی قشنگ، پند و اندرز داده و مولوی خیلی قشنگ از شناخت خودمون و خدا صحبت کرده.

اگه این آثار ادبی «قشنگ و زیبا» بیان نمی‌شدن، هیچ‌وقت «اثر ادبی» نبودن و این ارزش و ماندگاری رو نداشتن. ممکنه به ذهنتون بیاد علاوه بر قشنگ و زیبا بیان شدن، عمق و ارزش مطلبی که بیان می‌شه هم خیلی مهمه. بله منم موافقم اما یه نکته‌ای هست، اونم اینه که ما کلی کتاب داریم که خیلی مطالب پرارزشی دارن ولی «ادبی» نیستن، چرا؟ چون «قشنگ و زیبا بیان نشدن». شاید حالا بتونم بگم:

ادبیات یعنی، بیان قشنگ و زیبا

خب بگذریم بریم سراغ کتاب خودمون. قبل خوندن این کتاب، خوبه که چندتا نکته رو بدونید:

- ۱ ما تو این کتاب تمام نکات زبانی، ادبی و فکری رو بیان کردیم.
- ۲ تمام متن کتاب درسی رو بدون کم و کاست آوردیم. (یعنی می‌تونید با خیال راحت کتاب درسی رو کنار بگذارید).
- ۳ در متن هر درس، کلی سؤال آوردیم تا کاملاً بدونید که از هر سطر کتاب چطور سؤال میاد. به علاوه در پایان هر درس، یک آزمون کامل با پاسخ تشریحی هم داریم.
- ۴ برای نیم‌سال اول دوتا آزمون و برای آخر سال هم چهارتا آزمون گذاشتیم تا با سؤالات آشنا بشید و همه‌جوره از خودتون امتحان بگیرید و خودتون رو بسنجید.
- ۵ یه خلاصه درس کامل برای مرور سریع شب امتحان و یک واژه‌نامه از تمام واژه‌های مهم کتاب درسی، ضمیمه کتاب کردیم که به سادگی می‌تونید با اسکن QRcode اون رو دریافت کنید.

با این اوصاف حتماً حتماً ۲۰ می‌شید و به جون ما دعا می‌کنید!

و اما حرف آخر یادکردن و نام بردن از بزرگوارانی که مدیون الطاف و زحماتشون هستم و باید ازشون تشکر کنم. اول از دکتر کورش بقائی راوری عزیز ممنونم که این خدمت ناچیز هم از برکات آشنایی با ایشونه، هم‌چنین از آقایان مرتضی زنگنه، سیاوش خوشدل و خانم‌ها صدیقی و محمودی که در ویراستاری علمی‌شون نکات بسیار مفیدی رو به بنده گوشزد کردن. هم‌چنین از دانش‌آموز عزیز، زهرا حسینی به خاطر دقت تحسین‌برانگیزش، صمیمانه سپاس گزارم. نهایتاً هم از تمامی دست‌اندرکاران انتشارات خیلی‌سبز به تعداد تک‌تک کلمات کتاب ممنونم، چون برای تک‌تک اونا زحمت کشیدن.

ارادتمند شما

مجتبی احمدوند

📧 Dr.Mojtaba.Ahmadvand

✉ Dr.Mojtaba.Ahmadvand@gmail.com

فهرست

درس‌نامه سؤال‌های پاسخ
امتحانی

۱۱۲	درس یازدهم: خاک آزادگان
۱۱۶	کارگاه متن‌پژوهی
۱۱۶	روان‌خوانی: شیرزنان ایران



۱۲۳	فصل ۶: ادبیات حماسی
۱۲۴	درس دوازدهم: رستم و اشکبوس
۱۳۰	کارگاه متن‌پژوهی
۱۳۲	گنج حکمت: عامل و رعیت
۱۳۵	درس سیزدهم: گردآفرید
۱۴۱	کارگاه متن‌پژوهی
۱۴۳	شعرخوانی: دلیران و مردان ایران‌زمین



۱۴۷	فصل ۷: ادبیات داستانی
۱۴۸	درس چهاردهم: طوطی و بقال
۱۵۳	کارگاه متن‌پژوهی
۱۵۴	گنج حکمت: ای رفیق!
۱۵۸	درس شانزدهم: خسرو
۱۶۵	کارگاه متن‌پژوهی
۱۶۷	روان‌خوانی: طراران



۱۷۱	فصل ۸: ادبیات جهان
۱۷۲	درس هفدهم: سپیده‌دم
۱۷۶	کارگاه متن‌پژوهی
۱۷۸	گنج حکمت: مزار شاعر
۱۸۱	درس هجدهم: عظمت نگاه
۱۸۵	کارگاه متن‌پژوهی
۱۸۶	روان‌خوانی: سه پرسش
۱۸۹	نیایش: الهی

نمونه‌امتحان نیم‌سال اول: امتحان شماره ۱ ۲۰۸ ۲۱۰

نمونه‌امتحان نیم‌سال اول: امتحان شماره ۲ ۲۱۱ ۲۱۳

نمونه‌امتحان نیم‌سال دوم: امتحان شماره ۳ ۲۱۴ ۲۱۷

نمونه‌امتحان نیم‌سال دوم: امتحان شماره ۴ ۲۱۸ ۲۲۰

امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۲ - نوبت صبح: امتحان شماره ۵ ۲۲۱ ۲۲۴

امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۲ - نوبت عصر: امتحان شماره ۶ ۲۲۵ ۲۲۸

درس‌نامه سؤال‌های پاسخ
امتحانی

۷	ستايش: به نام کردگار
۹	۱۰

۱۱	درس یکم: چشمه
۱۵	کارگاه متن‌پژوهی
۱۷	گنج حکمت: پیرایه خرد
۲۱	درس دوم: از آموختن، ننگ مدار
۲۶	کارگاه متن‌پژوهی
۲۷	روان‌خوانی: دیوار



۳۴	فصل ۲: ادبیات پایداری
۳۵	درس سوم: پاسداری از حقیقت
۴۱	کارگاه متن‌پژوهی
۴۳	گنج حکمت: دیوار عدل
۴۶	درس پنجم: بیداد ظالمان
۵۳	کارگاه متن‌پژوهی
۵۴	شعرخوانی: همای رحمت



۵۹	فصل ۳: ادبیات غنایی
۶۰	درس ششم: مهر و وفا
۶۵	کارگاه متن‌پژوهی
۶۷	گنج حکمت: حُقه راز
۷۰	درس هفتم: جمال و کمال
۷۵	کارگاه متن‌پژوهی
۷۶	شعرخوانی: بوی گل و ریحان‌ها



۸۰	فصل ۴: ادبیات سفر و زندگی
۸۱	درس هشتم: سفر به بصره
۸۶	کارگاه متن‌پژوهی
۸۷	گنج حکمت: شبی در کاروان
۹۱	درس نهم: کلاس نقاشی
۹۶	کارگاه متن‌پژوهی
۹۷	روان‌خوانی: پیرمرد چشم ما بود



۱۰۲	فصل ۵: ادبیات انقلاب اسلامی
۱۰۳	درس دهم: دریادلان صف‌شکن
۱۰۸	کارگاه متن‌پژوهی
۱۰۹	گنج حکمت: یک گام، فراتر



مهم



ادبیات تعلیمی

گونه‌شناسی

- ادبیات تعلیمی چیست؟ گاهی شاعر یا نویسنده، موضوع و مفهومی رفتاری یا اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز را به شیوه‌ی اندرز بازگو می‌کند و برای این منظور از داستان یا حکایت در قالب شعر و نثر بهره می‌گیرد؛ این‌گونه آثار را «ادبیات تعلیمی» می‌نامند.
- هدف و موضوع آثار تعلیمی چیست؟ اثر تعلیمی، اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع‌هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند.
- برای جذابیت بیشتر آثار تعلیمی از چه رویکردی می‌توان بهره گرفت؟ آثار تعلیمی می‌توانند تخیلی - ادبی باشند تا مسئله‌ای را به صورت روایی یا نمایشی با جذابیت بیشتر ارائه دهند. از این‌گونه آثار ادبی، به‌ویژه در کتاب‌های درسی و ادبیات کودک و نوجوان بهره می‌گیرند.
- چند نمونه از آثار ادبیات تعلیمی را نام ببرید. قابوس‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان سعدی، بوستان سعدی، مثنوی معنوی مولوی نمونه‌هایی از ادبیات تعلیمی‌اند و برخی آثار طنز نیز جنبه‌ی تعلیمی هم دارند.

(نویسندگان: ۱۳۰۲)

سؤال: یک اثر در زمینه ادبیات تعلیمی ذکر کنید.

پاسخ: قابوس‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان، بوستان، مثنوی معنوی مولوی (ذکر یک مورد کافی است).



شعر «چشمه» سرودهٔ «نیما یوشیج» (علی اسفندیاری) و در قالب «مثنوی» است.

ماجرای این درس ...

تا حالا فکر کردی یک چشمه چه ویژگی‌هایی داره؟ مثلاً زلال و روشنه، هر با باشه اونجا پُر از گل و سبزه میشه و فاصله زندگی رو به همراه خودش میاره. اما همین چشمه با تمام زیبایی‌ها و ویژگی‌هاش به دریا که می‌رسه ...؟!

غلغله‌زن، شور و غوغاکنان
چهره‌نما (در مورد آب) زلال، شفاف، آنچه از شفافیت، چهره در آن نمایان باشد؛ کنایه از: جلوه‌گر، خودنما
تیزیاب، تندرو، تیزرو

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا **غلغله‌زن**، چهره‌نما، تیزیاب
معنی چشمه‌ای پُرشور، زلال (یا خودنما) و شتابنده از سنگی جدا و جاری شد. **مفهوم** چابکی و جلوه‌گری
آرایه غلغله‌زن و تیزیاب بودن چشمه: تشخیص / چشمه (در این شعر): نماد انسان‌های مغرور و خودپسند / چهره‌نما: کنایه از خودنما / تیزیاب: کنایه از شتابان **دستور**: صورت مرتب‌شدهٔ اجزای جمله: یک چشمهٔ غلغله‌زن، چهره‌نما و تیزیاب از سنگی جدا گشت. / چشمه: نهاد / جدا: مسند / گشت: فعل اسنادی

گه به دهان، برزده کف، چون صدف **گاه چو تیری که رود بر هدف**
معنی گاه کفی چون صدف بر رویش قرار می‌گرفت و گاه مانند تیری که به سوی هدف می‌رود به سرعت حرکت می‌کرد. **مفهوم** سرعت حرکت **آرایه**: دهان داشتن چشمه: تشخیص / تعبیر اول: «کف چون صدف»: تشبیه (کف: مشبه؛ چون: ادات تشبیه؛ صدف: مشبه‌به) / تعبیر دوم: «(چشمه) چون صدف، کف بر دهان می‌زد»: تشبیه: مشبه؛ چون: ادات تشبیه؛ صدف: مشبه‌به؛ کف بر دهان زدن: وجه‌شبهه / «(چشمه) چو تیری که رود بر هدف»: تشبیه (چشمه: مشبه؛ چو: ادات تشبیه؛ تیری که رود بر هدف: مشبه‌به) / تکرار صامت‌های «د»، «ر»: واج‌آرایی / صدف و هدف: جناس ناهمسان **دستور**: صورت مرتب‌شدهٔ اجزای جمله: گاه چون صدف به دهان کف [را] برزده (یا: کف [را] چون صدف به دهان بر زده) و گاه چو تیری که بر هدف رود.

معرکه، میدان جنگ، جای نبرد
گلبن، بوته یا درخت گل، به ویژه بوتهٔ گل سرخ

گفت: «در این **معرکه**، یکتا منم **تاج سر گلبن و صحرا منم**
معنی گفت: «در این عالم، من یگانه هستم و مایهٔ افتخار گل و گلزارم. **مفهوم** غرور و تکبر و ادعای یکتایی
آرایه: «چشمه» خود را به «تاج سر» تشبیه کرده است. / معرکه: مجاز (استعاره) از عالم / تاج بر سر داشتن گلبن و صحرا: تشخیص / تاج سر: کنایه از مایهٔ افتخار و بزرگی / گلبن و صحرا: تناسب **دستور**: این: وابستهٔ پیشین از نوع صفت اشاره / منم: مخفف «من هستم»

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

«تاج سر گلبن و صحرا منم»

سؤال معنای واژهٔ مشخص‌شده را بنویسید.

پاسخ: گلبن: بوته یا درخت گل، به ویژه بوتهٔ گل سرخ

چون بدوم، سبزه در آغوش من **بوسه زند بر سر و بر دوش من**
معنی وقتی جاری می‌شوم، سبزه و گیاه در کنارم، سر و دوشم را می‌بوسند (یعنی سبزه در کنار من می‌روید).
مفهوم خودستایی و غرور **آرایه**: «دویدن چشمه»، «آغوش و سر و دوش داشتن چشمه» و «بوسه‌زدن سبزه»: تشخیص / آغوش، سر، دوش: مراعات‌نظیر / «در»، «بر» و «سر»: جناس ناهمسان **دستور**: صورت مرتب‌شدهٔ اجزای جمله: چون بدوم، سبزه در آغوش من بر سر و دوش من بوسه می‌زند.

شکن: پیچ و خم زلف

چون بگشایم ز سر مو شکن **ماه ببیند رخ خود را به من**
معنی وقتی امواج پر پیچ و تاب گیسوانم را از مقابل چهره کنار می‌زنم و ساکن می‌شوم، [آن قدر زلالم که] ماه روی خود را در من می‌بیند. **مفهوم** خودستایی و غرور **آرایه**: «موگشادن چشمه» و «رخ داشتن و دیدن ماه»: تشخیص / مو: مجاز (استعاره) از امواج / شکن گشودن از سر مو: کنایه از صاف و مسطح شدن «مو و شکن»، «مو و رخ»: تناسب / ماه: نماد زیبایی **دستور**: صورت مرتب‌شدهٔ اجزای جمله: چون ز سر مو شکن بگشایم، ماه رخ خود را به من ببیند. / «شکن» مفعول مصراع او و «رخ خود» مفعول مصراع دوم است.

گهر: گوهر، جواهر
تابناک: درخشان
خجل: شرمنده
گریبان: یقه

قطرهٔ باران که درافتد به خاک **زو بدمد بس گهر تابناک**
در بر من، ره چو به پایان برد **از خجلی سر به گریبان برد**
معنی قطرهٔ بارانی که وقتی به روی خاک می‌افتد، گل‌ها و گیاهان همچون گوهر درخشان از آن می‌روید، زمانی که در انتهای راهش به من برسد، از شرمندگی سر را پایین می‌اندازد. **مفهوم** خودستایی و غرور **آرایه**: خاک: مجاز از زمین / گهر: مجاز (استعاره) از گل و گیاه / سر به گریبان بردن: کنایه از پنهان شدن یا شرمندگی (البته در اینجا فقط در معنی اول، قابل قبول است). / سر به گریبان بردن قطره: تشخیص / «در»، «بر» و «سر»: جناس ناهمسان **دستور**: صورت مرتب‌شدهٔ بیت اول: قطرهٔ باران که به خاک درافتد، بس گهر تابناک زو بدمد. / «گهر تابناک» نهاد مصراع دوم است.

- سؤال** نوع ترکیب (وصفی - اضافی) را مشخص کنید. «گهر تابناک»
پاسخ وصفی
- سؤال** با توجه به گزینه‌ها آرایه‌ی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.
 قطره باران که درافتد به خاک / **پاسخ** استعاره (گهر: استعاره از گل و گیاه)
- سؤال** در بیت زیر، آرایه‌ی نوشته‌شده در مقابل آن را بیابید و مفهوم آن را بنویسید.
 قطره باران که درافتد به خاک / **پاسخ** گهر استعاره از گل و گیاه

ابر ز من حامل سرمایه شد / **باغ ز من صاحب پیرایه شد** / پیرایه: زیور و زینت

معنی: ابر سرمایه خود را که باران است، از من می‌گیرد و باغ از من صاحب زیبایی و زینت می‌شود. **مفهوم:** غرور و خودستایی / **آرایه:** سرمایه: مجاز (استعاره) از قطره‌های باران / پیرایه: مجاز (استعاره) از گل‌ها و سبزه‌ها و میوه‌ها / سرمایه‌داشتن ابر: «پیرایه‌بستن باغ»: تشخیص

- سؤال** معنای واژه مشخص شده را بنویسید. «باغ ز من صاحب پیرایه شد»
پاسخ پیرایه: زیور، زینت

گل به همه رنگ و برازندگی / **می‌کند از پرتو من زندگی** / برازندگی: شایستگی، لیاقت / پرتو: فروغ و روشنایی

معنی: گل با وجود آن همه زیبایی و شایستگی، حیات خود را از روشنایی وجود من گرفته است. **مفهوم:** غرور و خودستایی / **آرایه:** تکرار صامت‌های «ن»، «گ»: واج‌آرایی / گل: نماد زیبایی و لطافت / پرتو: مجاز (استعاره) از لطف و تأثیر

- سؤال** مفهوم کلی بیت «گل به همه رنگ و برازندگی / می‌کند از پرتو من زندگی» کدام است؟
 ۱) غرور / **پاسخ:** گزینه ۱ «غرور» صحیح است.
 ۲) تواضع و فروتنی

در بن این پرده نیلوفری / **کیست کند با چو منی همسری؟** / نیلوفری: صفت نسبی، منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، لاجوردی: «پرده نیلوفری» / آسمان لاجوردی

معنی: در زیر این آسمان لاجوردی (در روی زمین) هیچ کسی نمی‌تواند با من برابری کند. **مفهوم:** خودبرتربینی (مفاخره) / **آرایه:** پرده نیلوفری: مجاز (استعاره) از آسمان لاجوردی / **دستور:** صورت مرتب‌شده اجزای جمله: چه کسی در بن این پرده نیلوفری وجود دارد [که] با چو منی همسری کند؟ **دانش ادبی:** «مصراع دوم» پرسش انکاری دارد: هیچ کس نمی‌تواند با من برابری کند.

- سؤال** با توجه به بیت «در بن این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری» به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.
 الف) «پرده نیلوفری» استعاره از چیست؟ / **پاسخ:** آسمان / ب) «همسری کردن» کنایه از چیست؟ / **پاسخ:** برابری

زین نمط آن مست‌شده از غرور / **رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور** / نمط: روش، طریقه؛ زین نمط: بدین ترتیب / مبدأ: ابتدا، آغاز

معنی: آن مست‌شده از غرور به همین شیوه حرکت کرد و زمانی که کمی از آغاز مسیر دور شد. **مفهوم:** غرور و تکبر / **آرایه:** مست از غرور شدن چشمه: تشخیص / مست‌شدن از غرور: کنایه از نهایت تکبر / **دستور:** صورت مرتب‌شده اجزای جمله: از این نمط آن مست‌شده از غرور رفت و چون کمی از مبدأ دور شد ...

- سؤال** املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.
 زین (نمط/ نمت) آن مست‌شده از غرور / **پاسخ:** «نمط» و «مبدأ» صحیح است.
 رفت و ز (مبدع/ مبدأ) چو کمی گشت دور

دید یکی بحر خروشنده‌ای / **سهمگنی، نادره جوشنده‌ای** / بحر: دریا / سهمگن: سهمگین، ترس‌آور / نادره: بی‌همتا، شگفت‌آور

معنی: دریای خروشان را دید که ترس‌آور، کم‌نظیر و جوشان بود. **مفهوم:** ابهت و شکوه / **آرایه:** تکرار صامت «ن»: واج‌آرایی / خروشدن بحر: تشخیص / بحر (= دریا): نماد عظمت / **دستور:** صورت مرتب‌شده بیت: یک بحر خروشنده، سهمگین و جوشنده نادره‌ای [را] دید.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سوال معنای واژه مشخص شده را بنویسید.

دید یکی بحر خروشنده‌ای

پاسخ سهمگن: سهمگین، ترس‌آور

نعره: فریاد

فلک: آسمان

زهره‌در (زهره‌درنده): کنایه از بسیار ترسناک

نعره برآورده، فلک کرده گر دیده سیه کرده، شده زهره‌در

معنی فریادش آن قدر بلند بود که گوش آسمان را کر کرده بود و موجب ترس و واهمه فراوان شده بود. **مفهوم** ابهت و شکوه «آرایه» نعره بر آوردن دریا» و «کرشدن فلک»: تشخیص / کرکردن فلک: کنایه از صدای بسیار بلند داشتن / «سیاه کردن دیده» و «زهره‌در شدن»: کنایه از موجب ترس و واهمه فراوان شدن / تکرار صامت‌های «ر» و «ک»: واج‌آرایی **دستور** صورت مرتب‌شده بیت: نعره برآورده، فلک [را] کر کرده؛ دیده سیه کرده و زهره‌در شده.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سوال بیت زیر را به نثر روان معنی کنید.

نعره برآورده فلک کرده گر دیده سیه کرده زهره‌در

پاسخ فریادش آن قدر بلند بود که گوش آسمان را کر کرده بود و موجب ترس و واهمه فراوان شده بود.

یله: رها، آزاد؛ یله‌دادن: تکیه‌دادن

راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله

معنی [دریا] درست مانند زمین لرزه‌ای، بدنش را بر روی ساحل رها کرده بود (منظور موج‌های دریاست که روی ساحل رها می‌شدند). **مفهوم** مهابت و شکوه «آرایه» «(بحر) به مانند یکی زلزله»: تشبیه (بحر: مشبّه؛ به مانند: ادات تشبیه؛ زلزله: مشبّه‌به) / «تن دریا» و «تن ساحل» و «یله‌دادن دریا»: تشخیص / تن: تکرار **دستور** راست: قید / فعل کمکی «بود» بعد از «داده» به قرینه معنایی حذف شده است: داده [بود] / صورت مرتب‌شده بیت: راست به مانند یکی زلزله، تنش [را] بر تن ساحل یله داده [بود].

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سوال نقش دستوری واژه مشخص شده را بنویسید.

پاسخ قید

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

معنای واژه مشخص شده را بنویسید.

پاسخ یله: رها، آزاد؛ یله‌دادن: تکیه‌دادن

هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی

چشمه کوچک چو به آنجا رسید وان همه هنگامه دریا بدید

معنی وقتی چشمه کوچک به آنجا رسید و آن همه آشوب و غوغای دریا را دید، **مفهوم** تقابل و رویارویی بزرگی و کوچکی «آرایه» «دیدن چشمه» و «هنگامه دریا»: تشخیص / چشمه و دریا: تضاد

ورطه: گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری

خواست کز آن ورطه قدم درکشد خویشتن از حادثه برتر کشد

معنی خواست که از آن مهلکه بیرون بیاید و خود را از آن حادثه نجات دهد. **مفهوم** هراسیدن و عقب‌نشینی «آرایه» «قدم درکشیدن» و «خویشتن را برتر کشیدن»: کنایه از رها کردن (خود) / قدم درکشیدن و خویشتن برتر کشیدن چشمه: تشخیص **دستور** قدم: مفعول / خویشتن: مفعول

لیک: انا

خیره: سرگشته، حیران، فرومانده

لیک چنان خیره و خاموش ماند کز همه شیرین‌سخنی، گوش ماند

معنی انا چنان مات و مبهوت و ساکت ماند که با آن همه خوش‌زبانی دیگر حرفی برای گفتن نداشت. **مفهوم** سکوت از سر حیرت «آرایه» خیره و خاموش ماندن و شیرین‌سخنی چشمه: تشخیص / شیرین‌سخنی: حس‌آمیزی و کنایه از زیبا سخن گفتن / گوش‌ماندن: کنایه از ساکت شدن / گوش: مجاز از انسان شنونده

سوال آرایه ادبی کدام گزینه در بیت «لیک چنان خیره و خاموش ماند / کز همه شیرین‌دهنی گوش ماند» وجود ندارد؟

(۱) حس‌آمیزی (۲) کنایه (۳) مجاز (۴) تشبیه (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

پاسخ گزینه «۴» یعنی «تشبیه». (برای بررسی سایر آرایه‌ها به توضیحات بیت مراجعه کنید.)

ایستگاه آرایه

حس‌آمیزی

در عالم واقع، بوی خوش را با بینی حس می‌کنیم، تصویر زیبا را با چشم می‌بینیم و گرمی و سردی چیزی را با حس لامسه درک می‌کنیم؛ اما در بیان شاعرانه همه چیز به هم آمیخته می‌شود. گاهی شاعر یا نویسنده خوش‌ذوق بو را می‌شنود! گاهی عشق در نظرش گرم است! و گاهی برای شعر و کلام مزه قائل می‌شود:

به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های رنگین بکشید سوی خانه، مه خوب خوش‌لقا را مولوی

تعریف حس آمیزی: آمیختن دو یا چند حس در کلام (با نسبت دادن یک صفت حسی به یک مفهوم غیرحسی) است، به گونه‌ای که به تأثیر سخن بیفزاید و سبب زیبایی آن شود. در اشعار زیر حس آمیزی را مشخص کنید:

- ۱ حرف‌هایم مثل یک نگه چمن روشن بود. **سهراب سپهری**
- ۲ چندان که هیاهوی سبز بهاری دیگر / از فراسوی هفته‌ها به گوش آمد **احمد شاملو**
- ۳ با من بیابا به خیابان / تا بشنوی بوی زمستانی که در باغ رخنه کرده است **سلمان هراتی**
- ۴ آشنا هستم با / سرنوشت تر آب / عادت سبز درخت **سهراب سپهری**

در مثال اول سهراب سپهری «روشنی» را به «حرف» نسبت داده است و دو حس «بینایی» و «شنوایی» را به هم آمیخته است. در مثال دوم نسبت دادن صفت «سبز» به «هیاهو»، یعنی آمیختن دو حس «بینایی» و «شنوایی». در مثال سوم نیز شاعر «بوی» زمستان را «می‌شنود»؛ یعنی آمیختن «بویایی» و «شنوایی». در مثال چهارم سهراب سپهری به «سرنوشت»، «تربودن» را نسبت داده است و چون سرنوشت از مقوله حس نیست، تراندستن آن حس آمیزی است؛ هم‌چنین نسبت دادن صفت «سبز» به «عادت» حس آمیزی است.

نکته: گاهی فعلی که با یک حس متناسب نیست، سبب ایجاد حس آمیزی می‌شود (صدا را دیدن یا بو را شنیدن)؛ گاهی صفتی که با آن حس متناسب نیست حس آمیزی را شکل می‌دهد (صدای گرم، خنده تلخ، کلام رنگین و ...) و گاهی هم به چیزی که اصلاً با هیچ حسی متناسب نیست، یعنی مربوط به ادراک است، صفت حسی نسبت می‌دهیم و حس آمیزی می‌سازیم (عشق شیرین، عشق گرم و ...).

مجاز

به ابیات زیر دقت کنید، آیا هر کدام از کلمات مشخص شده در معنی حقیقی خود به کار رفته‌اند؟

- ۱ دل عالمی بسوزی چو عذار (=چهره) برفروری
 - ۲ بدان آهن که او سنگ آزمون کرد
 - ۳ سپید شد چو درخت شکوفه‌دار سرم
 - ۴ پیش دیوار آن‌چه گویی هوش دار
 - ۵ گر شبی ماه من از ابر نقاب آید برون
- تو از این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا **حافظ**
 تواند بیستون را بی‌ستون کرد **نظامی**
 وزین درخت همین میوه غم است برم **بای**
 تا نباشد در پس دیوار گوش **سعدی**
 دیگر از شرمش عجب گر آفتاب آید برون **عمادالدین نسیمی**

در بیت اول آیا مقصود از «عالم»، جهان و هستی است یا مردم جهان؟ در این بیت، شاعر از معنی حقیقی «عالم» صرف نظر کرده است و معنی دیگری مورد نظرش بوده است. در بیت دوم نیز «آهن» در خارج از معنی حقیقی خود، به کار رفته است و مقصود شاعر تیشه است که فرهاد با آن کوه بیستون را می‌کنده است؛ یعنی شاعر، جنس و ماده سازنده تیشه را گفته و منظورش تیشه بوده است. در بیت سوم «سر» در معنی مجازی به کار رفته است، زیرا مقصود جامی فقط موهای سرش بوده است که سفید شده است، نه کل سرش. در بیت چهارم مقصود سعدی از «گوش» چه بوده است؟ آیا عضوی که با آن می‌شنویم؟ خیر؛ مقصود شاعر کسی است که دارد پنهانی به حرف‌های دیگران گوش می‌دهد یا به تعبیر خودمانی گوش ایستاده است.

هرگاه لفظی را در غیر معنی اصلی و حقیقی‌اش (منظور از معنی حقیقی، همان است که در لغت‌نامه‌ها آمده است) به کار ببریم، آرایه مجاز ایجاد می‌شود. البته باید دقت داشته باشید که نمی‌توانیم از هر لفظی هر معنایی برداشت کنیم و باید بین معنی حقیقی و مجازی رابطه‌ای برقرار باشد، مثلاً اگر بگوییم آهن و منظورمان تیشه باشد، رابطه بین معنی حقیقی و مجازی جنس آن است، یعنی چون جنس تیشه از آهن است، شاعر به جای تیشه گفته است آهن. این رابطه می‌تواند صورت‌های مختلفی داشته باشد؛ مانند این که:

- ۱ محل چیزی به جای خود آن چیز بیاید: «عالم» در بیت نخست
 - ۲ جنس یک چیز به جای خود آن به کار برود: «آهن» در بیت دوم
 - ۳ تمام یک چیز به جای جزئی از آن بیاید: «سر» در بیت سوم
 - ۴ جزئی از یک چیز به جای تمام آن به کار برود: «گوش» در بیت چهارم
 - ۵ سبب چیزی جانشین خود آن چیز بشود: «بازو» در بیت زیر مجاز از قدرت است:
- خسروی کار گدایی کی بود؟ این به بازوی چو مایی کی بود؟ **عطار**

چیزی به دلیل همراهی همیشگی با چیزی به جای آن به کار برود: «خون» در بیت زیر مجاز از «کشتن» است:

محتاج قصه نیست گرت قصد خون ماست چون زخت از آن توست، به یغما چه حاجت است؟ دیدم که نفسم در نمی‌گیرد و آتشم در هیزم تر اثر نمی‌کند.

مشابهت میان دو چیز در ذهن شاعر یا نویسنده به قدری زیاد باشد که یکی را به جای دیگری به کار برد؛ مثلاً در بیت پنجم شاعر به جای آن که از واژه ماه معنی حقیقی آن را قصد کند، آن را در معنی چهره یار خود به کار می‌برد. این نوع مجاز به قدری مهم است که به آن نام جداگانه‌ای هم نسبت داده‌اند: استعاره. با استعاره که از مهم‌ترین آرایه‌های ادبی است در درس‌های آینده آشنا خواهید شد.

نوجه: به مجاز با رابطه مشابهت «استعاره» می‌گویند و معمولاً از لفظ مجاز برای این مورد استفاده نمی‌کنند.

ساختمان جمله و اجزای آن

شما اجزای جمله را می‌شناسید. «نهاد»، «مفعول»، «متمّم»، «مسند» و «فعل» اسم‌های آشنایی برای شما هستند. این نقش‌ها ساختمان جمله را تشکیل می‌دهند و هر کدام جایگاه مشخصی دارند. برای مثال «نهاد» به طور عادی در ابتدای جمله قرار می‌گیرد، فعل در انتهای جمله؛ و سایر اجزا بین این دو. «مفعول» را با نشانه «را» و «یا» در جواب به سؤال «چه چیزی را؟» یا «چه کسی را؟» تشخیص می‌دهیم. قبل از «متمّم»، حرف اضافه قرار می‌گیرد و «مسند» قبل از فعل اسنادی می‌آید. «قید»ها هم می‌توانند جزء اجزای جمله باشند که البته برخلاف بقیه نقش‌ها، جایگاه ثابتی ندارند. به چند مثال زیر توجه کنید:

■ درختان خوابیدند. نهاد فعل
■ داستان‌های شاهنامه خواندنی هستند. مسند فعل اسنادی

■ پدر من از چیزی نمی‌ترسد. نهاد متمّم فعل
■ شاید حرف‌های من را درست نشنیده باشد. (نهاد: او محذوف) قید مفعول قید فعل

چرا گاهی اجزای جمله جابه‌جا می‌شوند؟ یاد گرفتیم و می‌دانیم که هر کدام از اجزای جمله جایگاه مخصوص خود را دارند؛ مثلاً نهاد اغلب ابتدای جمله قرار می‌گیرد و فعل انتهای آن؛ اما گاهی مثل بیت اول درس «چشمه» این اجزا جابه‌جا می‌شوند. نهاد ناگهان می‌رود آخر جمله؛ فعل می‌آید اول جمله و بقیه اجزا هم نظم خودشان را فراموش می‌کنند. در زبان ادبیات به دلایلی شاعر یا نویسنده اجازه دارد که گاهی این نظم را به هم بریزد. گاهی به خاطر وزن در شعر و گاهی برای تأکیدهای معنایی. سختی کار ما هم، همین جابه‌جایی‌ها است؛ اما اصلاً نگران نباشید. شما که نقش‌ها را شناخته‌اید و می‌توانید آن‌ها را در جمله با نشانه‌های خاص تشخیص دهید، با کمی دقت با وجود جابه‌جا شدنشان هم می‌توانید آن‌ها را پیدا کنید؛ مثلاً در مصراع «گشت یکی چشمه ز سنگی، جدا»، فعل «گشت» اسنادی است؛ پس حتماً جمله «مسند» دارد که در جواب «چی + گشت» می‌آید ← جدا. می‌دانیم «ز» همان «از» است و حرف اضافه؛ پس «سنگی» که بعد از آن آمده «متمّم» است. فعل «گشتن» هم به «یکی چشمه» برمی‌گردد که «نهاد» است؛ بنابراین شکل منظم جمله به این صورت است: یکی چشمه (یک چشمه‌ای) از سنگی جدا گشت.

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱ معنای واژه‌های مشخص شده را با معادل امروزی آنها مقایسه کنید.

در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟
راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله
همسری: در متن به معنی «برابری» و امروزه به معنی «ازدواج» است.

راست: در متن به معنی «دقیقاً» و امروزه به معنی «سمت راست یا سخن درست» است.

۲ بیت زیر بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید.

«گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا»

این سؤال دقیقاً از ما چی می‌خواد؟

منظور از «ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی» اینست که جمله معمولی در زبان فارسی چه شکلیه؟ در یک جمله معمولی ما می‌گیم «من آمدم»: نمی‌گیم «آدم من» یا مثلاً می‌گیم «من کتاب را خریدم» نمی‌گیم «خریدم من کتاب را». پس وقتی فعل، آخر جمله میاد و انجام دهنده اون فعل (نهاد) اول جمله میاد و باقی اجزا، بین اینها، «ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی» رعایت شده: حالا بریم سراغ سؤال

«یک چشمه غلغله‌زن، چهره‌نما و تیزپا از سنگی جدا گشت»: اجزای اصلی: چشمه جدا گشت.
واسته پیشین هسته وابسته پسین وابسته پسین حرف متمّم مسند فعل
صفت شمارشی صفت بیانی صفت بیانی صفت بیانی اضافه
نهاد گزاره

قلمرو ادبی

۱ هر یک از بیت‌های زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

■ چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من
■ گه به دهان برزده کف چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف

۱. اجزای اصلی جمله، نقش‌هایی هستند که جمله بدون آنها ناقص است؛ مانند: نهاد، مفعول، مسند، متمّم اجباری فعل و فعل. شما با اغلب این نقش‌های دستوری، پیش از این، آشنا شده‌اید. در درس‌های بعد، در این باره، بیشتر خواهیم آموخت.

بیت اول: «موگشادن چشمه» و «رخ داشتن و دیدن ماه»: تشخیص / مو: مجاز (استعاره) از امواج / «مو و شکن»، «مو و رخ»: تناسب / شکن گشودن از سر مو: کنایه از صاف و مسطح شدن

بیت دوم: دهان داشتن چشمه: تشخیص / کف چون صدف: یا چشمه چون صدف: تشبیه / [چشمه] چو تیری که رود بر هدف: تشبیه / تکرار صامت‌های «د»، «ر»: واج‌آرایی / صدف و هدف: جناس ناهمسان

۲ با توجه به شعر نیما، «چشمه» نماد چه کسانی است؟ نماد انسان‌های مغرور و خودپسند

۳ آمیختن دو یا چند حس و یا یک حس با پدیده‌های ذهنی (انتزاعی)، در کلام را «حس آمیزی» می‌گویند. نمونه: «حرف‌هایم مثل یک تکه چمن روشن بود». در این نمونه، سپهری از «روشن بودن حرف» سخن گفته است. «روشن بودن» امری دیدنی و «حرف»، شنیدنی است. شاعر در این مصراع، دو حس بینایی و شنوایی را با هم آمیخته است.

نمونه‌ای از کاربرد این آرایه ادبی را در سروده نیما بیابید.

در مصراع «کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند» عبارت «شیرین‌سخنی» حس آمیزی است. «شیرین»، چشیدنی و «سخن» شنیدنی است.

(نوایی فرورد ۱۴۰۲)

سوال: حس آمیزی را در بیت زیر نشان دهید.

با من به سلام خشک ای دوست زبان تر کن تا از مژه هر ساعت لعل تـسرت افشانم

پاسخ: ترکیب «سلام خشک» حس آمیزی دارد. («سلام» شنیدنی یا انتزاعی است و «شک» لمس‌کردنی است.)

۴ هر واژه امکان دارد در معنای حقیقی و یا معنای غیرحقیقی به کار رود. به معنای حقیقی واژه، «حقیقت» و به معنای غیرحقیقی آن، «مجاز» می‌گویند؛ «حقیقت»، اولین و رایج‌ترین معنایی است که از یک واژه به ذهن می‌رسد. «مجاز» به کار رفتن واژه‌ای است در معنی غیرحقیقی؛ به شرط آنکه میان معنای حقیقی و معنای غیرحقیقی واژه، ارتباط و پیوندی برقرار باشد؛ مثال:

پشت دیوار آنچه گویی، هوش دار تا نباشد در پس دیوار، گوش سعری

معنی: مراقب آنچه در پشت دیوار به طور پنهانی می‌گویی باش، مبدا شخصی آنجا باشد و سخنان تو را بشنود. با احتیاط سخن گفتن آرایه: این بیت دارای تمثیل است و یادآور ضرب‌المثل «دیوار موش دارد، موش هم گوش دارد». / گوش: مجاز از انسان سخن‌چین / هوش و گوش: جناس ناهمسان / دیوار: تکرار

همان‌طور که می‌دانید «گوش» اندام شنوایی است و در این معنا، «حقیقت» است و نمی‌تواند در پس دیوار بیاید؛ شاعر در این بیت به مفهوم مجازی «گوش»، یعنی «انسان سخن‌چین» تأکید دارد.

اکنون به دو بیت توجه نمایید:

ما را سرِ باغ و بوستان نیست هر جا که تویی تفرّج آنجاست سعری
معنی: ما قصد رفتن به باغ و بوستان را نداریم؛ هر جا که تو هستی، گشادگی خاطر ما از غم و اندوه، آنجاست.

مفهوم: آسودگی خاطر، در با تو بودن است. آرایه: سر: مجاز از قصد و اندیشه / باغ و بوستان: تناسب / سر و هر: جناس ناهمسان دستوره: «را»: حرف اضافه به معنی «برای» (برای ما سر باغ و بوستان نیست = سر یا قصد رفتن به باغ و بوستان نداریم.)

(نوایی فرورد ۱۴۰۲)

سوال: مجاز را در بیت زیر نشان دهید.

ما را سر باغ و بوستان نیست هر جا که تویی تفرّج آنجاست

پاسخ: «سر»: مجاز از قصد و اندیشه

عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت فتنه‌انگیز جهان، نرگس جادوی تو بود حافظ

معنی: جهان از شور عشق بی‌خبر بود؛ آنچه در جهان فتنه و آشوب بر پا کرد، چشم افسونگر تو بود. زیبایی چشم تو همه را شیفته خود کرد. / عشق فتنه‌انگیز است. آرایه: عالم: مجاز از مردم عالم / نرگس: مجاز (استعاره) از چشم / چشم یار، عالم را به آشوب کشانده است: اغراق / تکرار صامت «ش»: واج‌آرایی / فتنه‌انگیز بودن چشم (نرگس): تشخیص

در بیت اول، واژه «سر» در مفهوم مجازی «قصد و اندیشه» به کار رفته است. «سر» محل و جایگاه «اندیشه» است.

در بیت دوم، مقصود شاعر از واژه «نرگس»، معنایی غیرحقیقی یعنی «چشم» است. آنچه که «گل نرگس» و «چشم» را به هم می‌پیوندد و اجازه می‌دهد تا یکی به جای دیگری به کار رود، «شبهات» میان آن دو است. به این دو مجاز، در اصطلاح ادبی «استعاره» می‌گویند. در درس پنجم با آن بیشتر آشنا خواهید شد.

در شعر این درس، دو نمونه «مجاز» بیابید و مفهوم هر یک را بنویسید.

چون بگشایم ز سر مـو شکن ماه ببیند رخ خود را به من

مو: مجاز از امواج



قطره باران که درافتد به خاک / خاک: مجاز از زمین / گهر: مجاز از گل و گیاه

در بن این پرده نیلوفری / پرده نیلوفری: مجاز از آسمان لاجوردی

لیک چنان خیره و خاموش ماند / گوش: مجاز از انسان شنونده

زو بدمد بس گهر تابناک / کیست کند با چو منی همسری؟

کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند

قلمرو فکری

۱ پس از رسیدن به دریا، چه تغییری در نگرش و نحوه تفکر «چشمه» ایجاد شد؟

عظمت دریا را دریافت و به ناچیزبودن خود پی برد.

۲ معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

«نعره برآورده، فلک کرده کر / دیده سیه کرده، شده زهره در»
 [دریا] فریادش آن قدر بلند بود که گوش آسمان را کر کرده بود و موجب ترس و واهمه فراوان شده بود.

مفهوم: ابهت و شکوه دریا

۳ سروده زیر از سعدی است، محتوای آن را با شعر نیما مقایسه کنید.

۱) یکی قطره باران ز ابری چکید / خجل شد چو پهنای دریا بدید
 ۲) که جایی که دریاست من کیستم؟ / گر او هست حقاً که من نیستم
 ۳) چو خود را به چشم حقارت بدید / صدف در کنارش به جان پرورید
 ۴) بلندی از آن یافت کاو پست شد / در نیستی کوفت تا هست شد

معنای سروده سعدی:

۱) قطره بارانی از ابری چکید. وقتی آن قطره، بزرگی دریا را دید، شرمنده شد.

۲) گفت: جایی که دریا وجود دارد من کسی نیستم. اگر او وجود دارد حقیقتاً که من وجود ندارم.

۳) چون خودش را کوچک پنداشت (و متکبر نبود) صدف آن قطره را در آغوش کشید و با جان و دل پرورش داد.

۴) قطره، مقام والا را از آن رو کسب کرد که فروتنی کرد و خود را هیچ پنداشت تا کمال یافت.

مفهوم: فروتنی، سبب بلندمرتبی است. **آرایه: بیت اول:** قطره باران (در کل سروده): تشخیص / قطره، باران، ابر و دریا: مراعات نظیر / قطره باران و دریا: تضاد (یکی نماد کوچکی و دیگری نماد بزرگی) **بیت دوم:** کیستم و نیستم: جناس ناهمسان / هست و نیستم: تضاد **بیت سوم:** به جان پروردن صدف: تشخیص / کسی را به جان پروردن: کنایه از با تمام وجود او را پرورش دادن **بیت چهارم:** بلندی و پست، نیستی و هست: تضاد / در نیستی کوفتن: کنایه از فروتنی کردن و ترک خودبینی / پست و هست: جناس ناهمسان **دستور:** ضمیر «ش» در بیت سوم: مفعول (صدف او را در کنار، به جان پرورید).

مقایسه: در شعر نیما، چشمه مغرور است و نهایتاً پس از رسیدن به دریا، به خاطر غرورش از پا درمی آید؛ اما در شعر سعدی، یک قطره باران با تواضع و فروتنی در دل صدف جا خوش می‌کند و به مرواریدی ارزشمند تبدیل می‌شود.

۴ دوست دارید جای کدام یک از شخصیت‌های شعر نیما (چشمه، دریا) باشید؟ برای انتخاب خود دلیل بیاورید.

«دریا»، زیرا در این شعر «چشمه» نماد غرور و «دریا» نماد بزرگی و عظمت است. (شما می‌توانید نظر خود را بنویسید.)

کنج حکمت: پیرایه خرد

این داستان از کتاب «کلیله و دمنه» ترجمه نصرالله منشی است.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سوال: ترجمه فارسی «کلیله و دمنه» اثر کیست؟

پاسخ: نصرالله منشی

در آگیری سه ماهی بود: دو **حازم**، یکی **عاجز**. از **قضا**، روزی دو صیاد بر آن گذشتند، با یکدیگر **میعاد** نهادند / **معنی:** در برکه‌ای سه ماهی بود، دو محتاط (دوراندیش) و یک ناتوان. اتفاقاً روزی دو شکارچی از آن برکه رد شدند و با هم قرار گذاشتند که دام بیاورند و هر سه ماهی را بگیرند.

آگیری: برکه / حازم: محتاط / عاجز: ناتوان / میعاد: وعده، قرار؛ میعاد نهادن: قرار گذاشتن

(نهایی فرداد ۱۳۰۲)

سوال: معنی واژه مشخص شده را بنویسید.

پاسخ: حازم: محتاط

«در آگیری سه ماهی بود: دو **حازم**، یکی **عاجز**»

ماهیان این سخن بشنوندند: آنکه حزم زیادت داشت و بارها دست برد زمانه جافی را دیده بود، سَبک روی به کار آورد و از آن جانب که آب درمی آمد، برفور بیرون رفت.

معنی: ماهیان این سخن را شنیدند؛ آن ماهی که محتاط تر بود و بارها مورد حمله و هجوم زمانه ستمگر قرار گرفته بود، سریع دست به کار شد و از آن سمت که آب وارد برکه می شد، به سرعت بیرون رفت. **مفهوم:** استفاده کردن از تجربه و فواید آن **«آزایه»** دست برد زمانه جافی: تشخیص / دست برد دیدن: کنایه از مورد حمله و هجوم قرار گرفتن / روی به کار آوردن: کنایه از اقدام کردن **«دستور»** «سَبک» و «برفور»: قید در این میان، صیادان برسیدند و هر دو جانب آبیگر محکم بیستند.

معنی: در این هنگام شکارچیان رسیدند و هر دو سمت برکه را محکم بستند.

دیگری هم که از پیرایه خرد و ذخیرت تجربت بی بهره نبود، با خود گفت: غفلت کردم و فرجام کار غافلان چنین باشد و اکنون وقت حیلت است.

معنی: آن ماهی دیگر هم که از زیور عقل و اندوخته تجربه بی بهره نبود، با خود گفت: غفلت کردم و عاقبت کار غافلان این گونه است و اکنون زمان تدبیر و چاره اندیشی است. **مفهوم:** غفلت آدمی را گرفتار می کند و چاره اندیشی به او کمک می کند. **«آزایه»** پیرایه خرد: تشبیه («خرد» به «پیرایه» مانند شده است.) / ذخیرت تجربت: تشبیه («تجربه» به یک «اندوخته» مانند شده است.)

حزم: احتیاط، زیرکی، دوراندیشی / دست برد: هجوم و حمله: دست برد دیدن: مورد حمله و هجوم قرار گرفتن / جافی: ستمگر، ظالم / سَبک: سریع / برفور: فوراً

پیرایه: زیور و زینت / ذخیرت: اندوخته / فرجام: عاقبت، سرانجام / حیلت: حيله، تدبیر

سؤال: معنای واژه مشخص شده را بنویسید. **پاسخ:** پیرایه: زیور، زینت

سؤال: دیگری هم از پیرایه خرد بی بهره نبود. **پاسخ:** (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

بیشتر: چندان / دفع: دور کردن / مکاید: جمع مکیدت، مکرها، حيلهها / صواب: درست، صحیح / ثبات: پایداری

هر چند تدبیر در هنگام بلا فایده بیشتر ندهد؛ با این همه، عاقل از منافع دانش هرگز نومید نگردد و در دفع مکاید دشمن، تأخیر صواب نبیند. وقت ثبات مردان و روز فکر خردمندان است.

معنی: هر چند چاره اندیشی در هنگام بلا، فایده چندان ندارد، با این حال، عاقل از منفعت های دانش هرگز ناامید نمی شود و در دور کردن مکرهای دشمن، تأخیر را درست نمی داند. زمان پایداری مردان و روز اندیشیدن خردمندان است. **مفهوم:** سودمندی همیشگی دانش و تأخیر نکردن در دفع حيله های دشمن **«دستور»** تأخیر: مفعول

سؤال: املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. **پاسخ:** «صواب» صحیح است.

سؤال: عاقل در دفع مکاید دشمن تأخیر (ثواب / صواب) نبیند. **پاسخ:** (نوابی فرزند ۱۳۰۲)

صورت شدن: به نظر آمدن، تصور شدن

پس خویشتن مرده کرد و بر روی آب می رفت. صیاد او را برداشت و چون صورت شد که مرده است، بینداخت. به حیلت خویشتن در جوی افکند و جان به سلامت برد.

معنی: پس وانمود کرد که مرده است و بر روی آب [بدون تکان خوردن] می رفت. شکارچی او را برداشت و هنگامی که به نظر آمد که مرده است، پرتش کرد و او با تدبیر، خود را در جوی انداخت و زنده ماند. **«دستور»** خویشتن: مفعول / مرده: مسند

و آنکه غفلت بر احوال وی غالب و عجز در أفعال وی ظاهر بود، حیران و سرگردان و مدهوش و پای کشان، چپ و راست می رفت و در فراز و نشیب می دوید تا گرفتار شد.

معنی: و آن ماهی که غفلت و بی خبری بر احوال او چیره و ناتوانی در رفتارش ظاهر شده بود، حیران و سرگردان و سرگشته و لنگ لنگان، چپ و راست می رفت و بالا و پایین می دوید تا گرفتار شد. **مفهوم:** عاقبت شوم غفلت و ناتوانی **«آزایه»** «چپ و راست» - «فراز و نشیب»: تضاد و مجاز از همه جا / پای کشان: کنایه از با حالت عجز و ناتوانی **«دستور»** حیران، سرگردان، مدهوش و پای کشان: قید

غالب: چیره / افعال: جمع فعل، کارها / مدهوش: سرگشته / پای کشان: لنگ لنگان / فراز: بالا / نشیب: پایین

آزمون درس یکم

پاسخ در صفحه ۱۹۳

فلمرو زبانی

واژه

معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.

۱۹- چون بگشایم ز سر مو شکن
 ماه ببیند رخ خود را به من رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور

۲۰- زین نَمَط آن مست شده از غرور



۲۱- دیده سیه کرده شده زهره در

۲۲- داده تنش بر تن ساحل یله

۲۳- در آگیری سه ماهی بود، دو حازم و یکی عاجز.

۲۴- با یکدیگر میعاد نهادند.

۲۵- معنای واژه‌های مشخص شده را با معادل امروزی آن‌ها مقایسه کنید.

در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟
راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله

املا

۲۶- در کدام بیت، غلط املائی وجود دارد؟ آن را تصحیح کنید.

۱) خاست کز آن ورطه قدم درکشد خویشان از حادثه برتر کشد

۲) نعره برآورده فلک کرده کر دیده سیه کرده، شده زهره در

۲۷- در گروه کلمات زیر نادرستی‌های املائی را تصحیح کنید. «هاضم و هوشیار - حزم و دوراندیشی - ذخیرت تجربت - وقت حیلت - ثواب دید و مصلحت - چیره و قالب - فراز و نشیب»

دستور زبان

۲۸- در ابیات زیر، نقش کلمات مشخص شده را بنویسید.

ابر ز من حامل سرمایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد
گل به همه رنگ و برازندگی می‌کند از پرتو من زندگی

۲۹- بیت زیر را براساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید.

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا

قلمرو ادبی

۳۰- سراینده شعر «چشمه» است.

۳۱- ترجمه فارسی «کلیله و دمنه» اثر کیست؟

۳۲- شعر «چشمه» در چه قالبی سروده شده است؟

۳۳- درباره «ادبیات تعلیمی» و «هدف و موضوع آثار تعلیمی» توضیح دهید.

در هر یک از ابیات زیر قسمت‌های مشخص شده، چه آرایه‌هایی پدید آورده است؟

۳۴- راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله

۳۵- چون بگشایم ز سر مو شکن ماه ببیند رخ خود را به من

۳۶- قطره باران که درافتد به خاک زو بدمد بس گهر تابناک

۳۷- در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟

۳۸- لیک چنان خیره و خاموش ماند کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند

۳۹- با توجه به شعر نیما «چشمه» نماد چه کسانی است؟

۴۰- در شعر «حرف‌هایم مثل یک تگه چمن روشن بود» دو آرایه ادبی بیابید.

۴۱- مصراع دوم بیت زیر چه حاوی چه نوع پرسشی است؟

«در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟»

۴۲- در بیت «گل به همه رنگ و برازندگی / می‌کند از پرتو من زندگی» واج آرایه کدام صامت (حرف) مشهود است؟

در هر یک از مصراع‌های زیر مجاز را مشخص کنید و مفهوم آن را بنویسید.

۴۳- پشت دیوار آن‌چه گویی هوش دار تا نباشد در پس دیوار گوش

۴۴- ما را سر باغ و بوستان نیست هر جا که تویی تفرج آن‌جاست

۴۵- عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت فتنه‌انگیز جهان نرگس جادوی تو بود

درک مطلب

۴۶- با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزبا
گفت: «در این معرکه یکتا منم تاج سر گلبن و صحرا منم»
الف) شاعر با آوردن صفت «چهره‌نما»، کدام ویژگی چشمه را نشان داده است؟

ب) عبارت کنایی «تاج سر بودن» به چه معناست؟

۴۷- پس از رسیدن به دریا، چه تغییری در نگرش و نحوه تفکر «چشمه» ایجاد شد؟

۴۸- سروده زیر از سعدی است. آن را از نظر محتوا با شعر «چشمه» سروده نیما مقایسه کنید.

یکی قطره باران ز ابری چکید خجل شد چو پهنای دریا بدید
که جایی که دریاست من کیستم؟ گر او هست حقا که من نیستم
چو خود را به چشم حقارت بدید صدف در کنارش به جان پرورید
بلندی از آن یافت کاو پست شد در نیستی کوفت تا هست شد

معنی و مفهوم

عبارات و اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.

۴۹- ابر ز من حامل سرمایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد

۵۰- دید، یکی بحر خروشنده‌ای سهمگنی، نادره جوشنده‌ای

۵۱- راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله

۵۲- خواست کز آن ورطه قدم در کشد خویشتن از حادثه برتر کشد

۵۳- آن که حزم زیادت داشت و بارها دستبرد زمانه جافی را دیده بود، سبک روی به کار آورد.

۵۴- دیگری هم که از پیرایه خرد و ذخیرت تجربت بی بهره نبود، با خود گفت: غفلت کردم و فرجام کار غافلان چنین باشد.

۵۵- عاقل در دفع مکاید دشمن تأخیر صواب نبیند.

پاسخ آزمون درس ستایش

- ۱- افلاک: جمعِ فلک؛ آسمان‌ها
 ۲- فضل: لطف، توجه، رحمت، احسان - که از خداوند می‌رسد - .
 ۳- رزاق: روزی‌دهنده
 ۴- زهی: هنگام اظهار خشنودی یا شگفتی از چیزی یا تشویق و تحسین کسی گفته می‌شود. خوشا، آفرین، شگفتا.
 ۵- «نذر» نادرست و «نَظَر» شکل صحیح است.
 ۶- «رخسار» نادرست و «رخسار» شکل صحیح است.
 ۷- «فروق» نادرست و «فروغ» شکل صحیح است.
 ۸- تو خلاق هر دانا و نادان هستی.
 ۹- تو هم آشکار [و] هم نهانم هستی.
 ۱۰- «ص» ← «آدم را از کفی خاک آفرید.» («آدم»: مفعول)
 ۱۱- «غ» ← «گل خندان است.» («گل»: نهاد)
 ۱۲- الهی‌نامه
 ۱۳- عطار نیشابوری
 ۱۴- مثنوی
 ۱۵- «خندیدن گل»: تشخیص
 ۱۶- کنایه از کل موجودات است.
 ۱۷- خداوند
 ۱۸- خداوند، من چیزی نمی‌دانم و این تو هستی که همه چیز را می‌دانی و دانای مطلق.

پاسخ آزمون درس یکم

- ۱۹- شکن: پیچ و خم زلف
 ۲۰- نَمَط: روش، طریقه
 ۲۱- زهره‌در: بسیار ترسناک
 ۲۲- یله: رها، آزاد؛ یله‌دادن: تکیه‌دادن
 ۲۳- حازم: محتاط
 ۲۴- میعاد: وعده، قرار
 ۲۵- همسری: در متن درس به معنی «برابری» و امروزه به معنی «ازدواج» است.
 راست: در متن درس به معنی «دقیقاً» و امروزه به معنی «سمت راست» یا «سخن درست» است.
 ۲۶- در گزینه «۱»، واژه «خاست» نادرست است و باید به صورت «خواست» نوشته شود.
 ۲۷- گروه کلمات «هاضم و هوشیار»، «ثواب‌دید و مصلحت» و «چیره و قالب» نادرست و شکل صحیح آنها «حازم و هوشیار»، «صواب‌دید و مصلحت» و «چیره و غالب» است.
 ۲۸- «حامل»: مسند؛ «باغ»: نهاد؛ «گل»: نهاد؛ «پرتو»: متمم
 ۲۹- یک چشمه غلغله‌زن، چهره‌نما و تیزپا از سنگی جدا گشت.
 ۳۰- نیما یوشیج (علی اسفندیاری)
 ۳۱- نصرالله منشی
 ۳۲- در قالب مثنوی
 ۳۳- گاهی شاعر یا نویسنده، موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز را به شیوه اندرز بازگو می‌کند و برای این منظور از داستان یا حکایت در قالب شعر و نثر بهره می‌گیرد؛ چنین آثاری را «ادبیات تعلیمی» می‌نامند. اثر تعلیمی اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع‌هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند.
 ۳۴- «به مانند یکی زلزله»: تشبیه
 ۳۵- «مو»: استعاره از «امواج»
 ۳۶- «گهر»: استعاره از «گل و گیاه»
 ۳۷- «پرده نیلوفری»: استعاره از «آسمان لاجوردی»
 ۳۸- «شیرین‌سخنی»: حس آمیزی و کنایه از زیبا سخن گفتن
 ۳۹- نماد انسان‌های مغرور و خودپسند
 ۴۰- «حرف‌هایم مثل یک تگه چمن»: تشبیه / «روشن بودن حرف»: حس آمیزی
 ۴۱- مصراع دوم «پرشش انکاری» دارد (کسی نمی‌تواند با من برابری کند).
 ۴۲- تکرار صامت‌های «ن» و «گ» واج‌آرایی پدید آورده است.
 ۴۳- گوش: مجاز از انسان سخن‌چین
 ۴۴- سر: مجاز از قصد و اندیشه
 ۴۵- نرگس: مجاز از چشم
 ۴۶- الف) زلال و شفاف یا جلوه‌گر و خودنما بودن / ب) مایه افتخار و بزرگی بودن
 ۴۷- عظمت دریا را دریافت و به ناچیزبودن خود پی برد.
 ۴۸- در شعر نیما «چشمه» مغرور است و نهایتاً پس از رسیدن به دریا، به خاطر غرورش از پا درمی‌آید؛ اما در شعر سعدی، یک قطره باران با تواضع و فروتنی در دل صدف جا خوش می‌کند و به مرواریدی ارزشمند تبدیل می‌شود.
 ۴۹- ابر سرمایه خود را که باران است، از من می‌گیرد و باغ از من صاحب زیبایی می‌شود.
 ۵۰- دریای خروشان را دید که ترس‌آور، کم‌نظیر و جوشان بود.
 ۵۱- [دریا] درست مانند زمین‌لرزه‌ای، بدنش را بر روی ساحل رها کرده بود (موج‌های دریا روی ساحل رها می‌شدند).
 ۵۲- خواست که از آن مهلکه بیرون بیاید و خود را از آن حادثه نجات دهد.
 ۵۳- آن ماهی که محتاط‌تر بود و بارها مورد حمله و هجوم زمانه ستمکار قرار گرفته بود، سریع دست به کار شد.
 ۵۴- آن ماهی دیگر هم که از زیور عقل و اندوخته تجربه بی‌بهره نبود، با خود گفت: غفلت کردم و عاقبت کار غافلان این‌گونه است.
 ۵۵- عاقل در دور کردن مکرهای دشمن، تأخیر را درست نمی‌داند.



دانش‌آموزان عزیز، برای دانلود واژه‌نامه و همچنین خلاصه درس، جهت یادآوری و مرور سریع درس‌های ۱ تا ۱۸ فارسی دهم در ایام امتحانات، لطفاً QRcode روبه‌رو را اسکن کنید.

فارسی ۱ (دهم)		نمونه امتحان نیم‌سال اول										
نمره	Kheilisabz.com	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	امتحان شماره ۱									
بخش اول: قلمرو زبانی (۷ نمره)												
الف) واژه (۱ نمره)												
۰/۲۵			معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.									
۰/۲۵			۱- کیست کند با چو منی همسری									
۰/۲۵			۲- هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستغنی باشد.									
۰/۲۵			۳- با توجه به بیت زیر یک معادل معنایی برای واژه «فضل» بیابید.									
۰/۲۵			۴- در کدام گزینه معادل معنایی واژه «رفیع» نادرست است؟									
	۴) آبرومند	۳) ارزشمند	۲) مرتفع ۱) بلند									
ب) املا (۲ نمره)												
۰/۵			۵- در هر یک از موارد زیر املا صحیح را انتخاب کنید.									
۰/۵			الف) این (قدر / قدر) از من حرف نگیر بچه. ب) (غصه / قصه) حال یوسف را نیکو نه از حسن صورت او گفت.									
۱			۶- در کدام گزینه نادرستی املائی وجود دارد؟ آن را تصحیح کنید. ۱) با غصه به حیات نگاه می‌کرد. به بناها و عملها خیره شده بود. ۲) چیزی به فکرش رسیده است و جرئت گفتن آن را ندارد.									
۱			۷- در گروه کلمات زیر غلط‌های املائی را نشان داده و سپس تصحیح نمایید. «صورت شدن و آشکار گشتن - منافع دانش - میعاد نهادن - هاضم و عاجز - وقت ثبات مردان - بوم مهنت - بشریت رهگذار - وزن عروضی - گوشواره عرش - خواب‌آلود و حیرت‌زده»									
پ) دستور زبان (۴ نمره)												
۰/۵			۸- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.									
۰/۵			الف) این جوانان آنان‌اند که فلان روز ما ایشان را در حتماً نگذاشتیم.									
۱			ب) شمشیری که بر گلوی تو آمد / هر چیز و همه چیز را در کاینات / به دو پاره کرد									
۱			۹- با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید. صبا بر آن سر زلف از دل مرا بینی									
۱			الف) نقش دستوری واژه «دل» چیست؟ ب) نقش ضمیر «ش» را در بیت نشان دهید.									
۱			۱۰- تفاوت معنایی واژه مشخص شده در گذشته و امروز چیست؟ «به مجلس وزیر شدیم»									
۱			۱۱- جدول زیر را کامل نمایید. (با حفظ شخص)									
			<table border="1"> <thead> <tr> <th>مضارع اخباری</th> <th>امر</th> <th>فعل</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td></td> <td></td> <td>خواهید رفت</td> </tr> <tr> <td></td> <td></td> <td>داری می‌گویی</td> </tr> </tbody> </table>	مضارع اخباری	امر	فعل			خواهید رفت			داری می‌گویی
مضارع اخباری	امر	فعل										
		خواهید رفت										
		داری می‌گویی										
بخش دوم: قلمرو ادبی (۵ نمره)												
الف) آرایه‌های ادبی (۳ نمره) و تاریخ ادبیات (۱ نمره)												
۰/۵			۱۲- تشخیص را در بیت زیر نشان دهید. چون بگشایم ز سر مو شکن ماه ببیند رخ رخود را به من									
۰/۵			۱۳- کدام ترکیب اضافه تشبیهی است؟ (مشبه و مشبه‌به را در آن مشخص کنید). ۱) توپ خورشید ۲) چشم خواب‌آلود ۳) لب حوض ۴) دیوار نیمه‌کاره									

۱	۱۴- آرایه نوشته شده مقابل هر گزینه را در آن بیابید. الف) هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد (مجاز) ب) گفتم که بوی زلفت گمراه عالم کرد (ایهام)	۰/۲۵
۰/۵	۱۵- قسمت مشخص شده در مصراع زیر کدام آرایه ادبی را نشان می‌دهد؟ سعدی اندازه ندارد که چه شیرین سخنی	۰/۵
۰/۲۵	۱۶- حسن تعلیل را در سروده زیر بررسی کنید. چو سرو از راستی برزد علم را ندید اندر جهان تاراج غم را	۰/۲۵
۰/۵	۱۷- در عبارت «ملک بی دین باطل است و دین بی ملک، ضایع» کدام کلمات سجع پدید آورده‌اند؟ ۱۸- پدیدآورندگان آثار زیر را نام ببرید.	۰/۵
۰/۲۵	الف) سیاست‌نامه ب) داستان «دیوار»	۰/۲۵
۰/۲۵	۱۹- کدام نوع ادبی بیانگر «احساسات و عواطف شخصی شاعر» است؟ ۲۰- «ستایش آزادی و آزادی خواهی» در کدام نوع ادبی دیده می‌شود؟	۰/۲۵
(ب) حفظ شعر (۱ نمره)		
۰/۵	ابیات زیر را کامل کنید. ۲۱- تا خار غم عشقت، آویخته در دامن	۰/۵
۰/۵	شکل مرتب شده هر یک از ابیات زیر را بنویسید. ۲۲- علی - قاتل - من - به - جز - گوید - که - از - پسر - به - که / چو - توست - مدارا - اسیر - به - اسیر - اکنون - کن	۰/۵
بخش سوم: قلمرو فکری (۸ نمره)		
(الف) معنی و مفهوم نثر (۲ نمره)		
۰/۵	عبارت‌های زیر را به نثر روان معنی کنید. ۲۳- زود شادان و زود اندوهگین مشو که این فعل کودکان است.	۰/۵
۰/۵	۲۴- همانا او را تصور شود که مرا در فضل مرتبه‌ای است.	۰/۵
۰/۵	۲۵- آهنگ کید و مکر و عداوت کردند تا مگر او را هلاک کنند.	۰/۵
۰/۵	۲۶- شاگرد وفادار حقیرت هر جا به کار صورتگری درمی‌ماند، چاره درماندگی به شیوه معلّم خود می‌کند.	۰/۵
(ب) معنی و مفهوم شعر (۲ نمره)		
۰/۲۵	اشعار زیر را معنی کنید. ۲۷- تویی رزاق هر پیدا و پنهان	۰/۲۵
۰/۲۵	۲۸- گفت در این معرکه یکتا منم	۰/۲۵
۰/۷۵	۲۹- شفق، آینه‌دار نجابت / و فلق، محرابی / که تو در آن، / نماز صبح شهادت گزارده‌ای	۰/۷۵
۰/۷۵	۳۰- هر آن‌که جانب اهل وفا نگه دارد / خدایش در همه حال از بلا نگه دارد	۰/۷۵
(پ) درک مطلب (۴ نمره)		
۰/۵	۳۱- در عبارت «بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند» کدام خصلت بزرگان بیان شده است؟ ۳۲- ارتباط مفهومی موارد زیر را توضیح دهید.	۰/۵
۰/۵	الف) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن ب) اللّهُرُّ یومان، یوم لک و یوم علیک.	۰/۵
۰/۵	۳۳- در مصراع «گل از شوق تو خندان در بهار است» منظور از «خندان بودن گل» چیست؟ ۳۴- مفهوم عبارت‌های زیر را بنویسید.	۱
۰/۷۵	الف) همه با هم دم گرفتیم. ب) اگر به شهر نیامده بود نیما نشده بود.	۰/۷۵
۰/۷۵	۳۵- در بیت «دلا! معاش چنان کن که گر بلغزد پای / فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد»: الف) منظور از «معاش» چیست؟ ب) «لغزیدن پا» چه مفهومی دارد؟	۰/۷۵
۰/۷۵	۳۶- با توجه به سروده زیر به سوالات پاسخ دهید. «درختان را دوست می‌دارم / که به احترام تو قیام کرده‌اند / و آب را / که مهر مادر توست» الف) شاعر علت ایستادن درختان را چه چیزی می‌داند؟ ب) منظور از «مادر تو» کیست؟	۰/۷۵
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید

پاسخ‌نامه تشریحی امتحان شماره (۱)

- ۱۸- الف) خواجه نظام‌الملک توسی (ب) جمال میرصادقی
- ۱۹- ادبیات غنایی
- ۲۰- ادبیات پایداری
- ۲۱- کوتاه‌نظری باشد، رفتن به گلستان‌ها
- ۲۲- به‌جز از علی که گوید به پسر که قاتل من
چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا
- ۲۳- زود شاد و به سرعت ناراحت نشو، زیرا این، رفتار کودکان است.
- ۲۴- او تصوّر می‌کند من در علم و معرفت مقام بلندی دارم.
- ۲۵- تصمیم به مکر و حيله و دشمنی گرفتند تا او را بکشند.
- ۲۶- دانش‌آموز وفادار کوچکت، هر جا در کار نقاشی عاجز و ناتوان می‌شود، درماندگی را به روش معلّم خود چاره‌جویی می‌کند.
- ۲۷- تو روزی‌دهنده به هر پیدا و پنهان هستی.
- ۲۸- گفت در بین همه موجودات من یگانه هستیم.
- ۲۹- سرخی غروب، نجابت و پاکی تو را نشان می‌دهد و سبیده‌دم، همان محرابی است که تو در آن، نماز صبح روز شهادتت را خوانده‌ای.
- ۳۰- هر کسی که از اهل عشق و محبت (وفاداران به پیمان الهی) جانبداری کند، خداوند همیشه او را از بلا حفظ می‌کند.
- ۳۱- خویش‌تنداری
- ۳۲- هر دو مورد به بی‌اعتباری قدرت و تغییر حال از بد به خوب و از خوب به بد اشاره دارد.
- ۳۳- شکفتن گل
- ۳۴- الف) همه با هم، هم‌صدا شدیم.
- ب) اگر به شهر نمی‌آمد، به این حد، مشهور نمی‌شد و رشد نمی‌کرد.
- ۳۵- الف) زندگی
- ب) انجام کار خطا و گناه
- ۳۶- الف) احترام به امام حسین علیه السلام
- ب) حضرت زهراء علیها السلام

- ۱- برابری
- ۲- بی‌نیاز
- ۳- رحمت
- ۴- گزینه «۴»
- ۵- الف) قدر
ب) قصّه
- ۶- گزینه «۱»؛ واژه «حیات» نادرست و شکل صحیح آن «حیاط» است.
- ۷- گروه‌کلمات «هاضم و عاجز» و «بوم مهنّت» نادرست و شکل صحیح آن‌ها «حازم و عاجز» و «بوم محنت» است.
- ۸- الف) «جوانان»: نهاد / «آنان»: مسند
ب) «شمشیر»: نهاد / «تو»: مضاف‌الیه
- ۹- الف): «دل»: مفعول
ب) ضمیر «ش» در «بگویی» متمم است (به او بگو).
- ۱۰- «شدن» در گذشته به معنی «رفتن» بوده، اما امروزه فعل اسنادی به معنی «گشتن» و «گردیدن» است.

۱۱-

مضارع اخباری	امر	فعل
می‌روید	بروید	خواهید رفت
می‌گویید	بگو	داری می‌گویید

- ۱۲- «مو گشادن چشمه» و «رخ داشتن ماه» تشخیص است.
- ۱۳- گزینه «۱»؛ «خورشید»: مشبّه؛ «توپ»: مشبّه‌به
- ۱۴- الف) «جهان»: مجاز از عمر و زندگی
ب) «بو» ایهام دارد: (۱) امید و آرزو (۲) رایحه
- ۱۵- حس آمیزی
- ۱۶- علّت سرسبزی و شادی همیشگی درخت سرو این است که پرچم راستی را برافراشته است.
- ۱۷- باطل و ضایع



فارسی ۱ (دهم)		نمونه امتحان نیم سال دوم - نهایی خرداد ۱۴۰۲ - نوبت صبح	
ردیف	امتحان شماره ۵	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	Kheilisabz.com
نمره			
بخش اول: قلمرو زبانی (۷ نمره)			
۱	معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) در آبگیری سه ماهی بود: دو <u>حازم</u> ، یکی عاجز. ب) هنوز فضا از نم باران <u>آکنده</u> است.	۰/۵	
۲	با توجه به بیت زیر، یک معادل معنایی برای واژه «شيفته» بیابید. وقتی دل سودایی، می‌رفت به <u>بستان‌ها</u> بی خویشتم کردی، بوی گل و <u>ریحان‌ها</u>	۰/۲۵	
۳	با توجه به بیت: «بیامد دمان پیش گرد آفرید / چو دُخت کمندا فگن او را بدید»، معنی واژه «دمان»، در کدام گزینه به درستی <u>نیامده</u> است؟ (۱) خروشنده (۲) غزنده (۳) چالاک (۴) مهیب	۰/۲۵	
۴	در بیت: «مرغ خوشخوان را بشارت باد کاندرا راه عشق / دوست را با ناله شب‌های بیداران خوش است» کدام واژه اهمیت <u>املائی</u> ندارد؟ (۱) عشق (۲) بیداران (۳) بشارت (۴) مرغ	۰/۲۵	
۵	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) عاقل در دفع مکاید دشمن تأخیر (ثواب / صواب) نبیند. ب) بعد از تو روا باشد (نقض / نغز) همه پیمان‌ها پ) عامل شهری به خلیفه نشست که دیوار شهر خراب شده است آن را (امارت / عمارت) باید کردن.	۰/۷۵	
۶	در کدام گزینه، املائی همه واژه‌ها به درستی آمده است؟ (۱) رعیت - وقاحت - مضرت - سندروس (۲) توسن - استدعا - تجلی - خصم (۳) حقه - معاش - طرفه - زاعر (۴) محنت - رعب - بيقوله - معطوف	۰/۵	
۷	املائی درست کلمات مشخص شده را بنویسید. الف) به <u>شصت</u> اندر آورده تیر خدنگ ب) مخذول و نالان <u>اصترحام</u> می‌کرد.	۰/۵	
۸	کدام بخش از عبارت زیر، «حذف» شده است؟ نوع «حذف» را بنویسید. چنین گویند مردی به بغداد آمد و بر درازگوش نشسته بود و بژی را رشته در گردن کرده، از پس وی می‌دوید.	۰/۵	
۹	نقش دستوری ضمیر پیوسته (متصل) را در گزینه‌های زیر بنویسید. الف) ز روی لطف <u>بگویش</u> که جا نگه دارد ب) چرا غم دگران می‌کند <u>پربشانم</u>	۰/۵	
۱۰	در کدام گزینه، هر دو نوع «واو» عطف و ربط، دیده نمی‌شود؟ (۱) راهب، ضعیف و باریک‌میان بود و وقتی بیلش را به زمین فرومی‌برد و اندکی خاک برمی‌داشت به دشواری نفس می‌کشید. (۲) نگاهش آرام و حرکاتش و زندگی‌اش بی‌تلاطم بود و خیالش تخت. (۳) خانه را اجاره می‌دادند یا به کسی می‌سپردند و از قند و چای گرفته تا تره‌بار و بُنشن، همه را فراهم می‌کردند. (۴) ای فرزند حلال‌ت نکنم که مطربی و مسخرگی پیشه‌سازی که «همه قبیله من عالمان دین بودند».	۰/۲۵	
۱۱	کدام گروه اسمی، مطابق الگوی: «اسم + صفت + مضاف‌الیه» ساخته نشده است؟ (۱) کنگره نویسندگان ایران (۲) سفر تابستانی یوش (۳) خلف صدق نیاکان (۴) گریز رندانه معلم	۰/۲۵	
۱۲	در عبارت زیر، جمله هسته (پایه) و جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید. معنای خاکریز هم آن‌گاه تفهیم می‌شود که در میان یک دشت باز گرفتار آتش دشمن باشی.	۰/۵	
۱۳	بیت زیر را براساس ترتیب اجزای سازنده در زبان فارسی، مرتب کنید. دگر ره چنان شد هنر آشکار کز آن خیره شد دیده روزگار	۰/۵	
۱۴	نقش دستوری اجزای مشخص شده در کدام گزینه متفاوت است؟ (۱) شکوفایی گسترده تو <u>دل‌انگیز</u> است. (۲) آسمانی که پس از بارش باران، <u>صاف</u> و روشن است. (۳) من به تو <u>شور</u> و <u>شوقی</u> خواهم آموخت. (۴) این <u>تلاوت قرآن</u> نیست.	۰/۵	

۰/۵	۱۵	نقش دستوری اجزای مشخص شده را بنویسید. الف) ای <u>سرور</u> باران‌ها و فصل‌ها ب) غمی شد ز پیکار دست <u>سران</u>																
۰/۲۵	۱۶	نوع «را» در مصراع « <u>مرا</u> مادرم نام، مرگ تو کرد» را بنویسید.																
۰/۲۵	۱۷	در کدام مصراع، متمم با دو حرف اضافه <u>نیامده</u> است؟ ۱) همیشه به جنگ اندرون نامدار ۲) چو آمد خروشان به تنگ اندرش ۳) به سهراب بر تیرباران گرفت ۴) بزد بر بر و سینه اشکبوس																
بخش دوم: قلمرو ادبی (۵ نمره)																		
۰/۵	۱۸	جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید. هر حماسه چند ویژگی دارد: داستانی،، ملّی و																
۰/۵	۱۹	در کدام گزینه نام نویسنده به ترتیب نام اثر درست آمده است؟ «ارزیابی شتاب‌زده - جوامع‌الحکایات - دیوار - من زنده‌ام - مائده‌های زمینی» ۱) سهراب سپهری - حسین واعظ کاشفی - جمال میرصادقی - معصومه آباد - تولستوی ۲) جلال آل احمد - سدیدالدین محمد عوفی - جمال میرصادقی - معصومه آباد - آندره ژید																
۱/۵	۲۰	با توجه به موارد قسمت الف، آرایه‌های مناسب را از قسمت ب انتخاب کنید و داخل کمانک بنویسید. (قسمت ب یک مورد اضافی است.)																
<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <thead> <tr> <th style="width: 50%; text-align: center;">الف</th> <th style="width: 50%; text-align: center;">ب</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>الف) با من به سلام خشک ای دوست زبان‌تر کن / تا از مژه هر ساعت لعل تَرت افشانم ()</td> <td>۱) مجاز</td> </tr> <tr> <td>ب) کمان را به‌زه کرد و بگشاد بر / نَبْد مرغ را پیش تیرش گذر ()</td> <td>۲) حسن تعلیل</td> </tr> <tr> <td>پ) ما را سرِ باغ و بوستان نیست / هر جا که تویی، تفرّج آن جاست ()</td> <td>۳) سجع</td> </tr> <tr> <td>ت) گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ‌های بی‌شمار است ()</td> <td>۴) حس آمیزی</td> </tr> <tr> <td>ث) نگه کرد سهراب و آمدش ننگ / برآشفتم و تیز اندر آمد به جنگ ()</td> <td>۵) تضمین</td> </tr> <tr> <td>ج) آهنگ کید و مکر کردند تا مگر او را هلاک کنند و عالم از آثار وجود او پاک کنند. ()</td> <td>۶) جناس</td> </tr> <tr> <td></td> <td>۷) اغراق</td> </tr> </tbody> </table>			الف	ب	الف) با من به سلام خشک ای دوست زبان‌تر کن / تا از مژه هر ساعت لعل تَرت افشانم ()	۱) مجاز	ب) کمان را به‌زه کرد و بگشاد بر / نَبْد مرغ را پیش تیرش گذر ()	۲) حسن تعلیل	پ) ما را سرِ باغ و بوستان نیست / هر جا که تویی، تفرّج آن جاست ()	۳) سجع	ت) گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ‌های بی‌شمار است ()	۴) حس آمیزی	ث) نگه کرد سهراب و آمدش ننگ / برآشفتم و تیز اندر آمد به جنگ ()	۵) تضمین	ج) آهنگ کید و مکر کردند تا مگر او را هلاک کنند و عالم از آثار وجود او پاک کنند. ()	۶) جناس		۷) اغراق
الف	ب																	
الف) با من به سلام خشک ای دوست زبان‌تر کن / تا از مژه هر ساعت لعل تَرت افشانم ()	۱) مجاز																	
ب) کمان را به‌زه کرد و بگشاد بر / نَبْد مرغ را پیش تیرش گذر ()	۲) حسن تعلیل																	
پ) ما را سرِ باغ و بوستان نیست / هر جا که تویی، تفرّج آن جاست ()	۳) سجع																	
ت) گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ‌های بی‌شمار است ()	۴) حس آمیزی																	
ث) نگه کرد سهراب و آمدش ننگ / برآشفتم و تیز اندر آمد به جنگ ()	۵) تضمین																	
ج) آهنگ کید و مکر کردند تا مگر او را هلاک کنند و عالم از آثار وجود او پاک کنند. ()	۶) جناس																	
	۷) اغراق																	
۰/۵	۲۱	با توجه به قسمت‌های مشخص شده، «نماد» و «تشبیه» را در مصراع‌های زیر بررسی کنید. الف) ای چون سبزه برآمده از <u>دفتر روزگاران</u> ب) حسرت نبرم به خواب آن <u>مرداب</u>																
۰/۵	۲۲	مفهوم کنایه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) <u>عنان</u> را <u>گران</u> کرد و او را بخواند. ب) او را نیز <u>بسمل</u> کردم تا عبرت همگان شود.																
۰/۵	۲۳	آرایه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) خروش سواران و اسپان ز دشت ب) زمین کاروان‌سرای بسی کاروان گذشت ز بهرام کیوان همی‌برگذشت (اغراق / تشبیه) ناچار کاروان شما نیز بگذرد (تضمین / استعاره)																
۱	۲۴	الف) یک بیت، بعد از بیت «فلک در شگفتی ز عزم شماس / ملک آفرین‌گوی رزم شماس» را بنویسید. ب) بیتی از شعر «دلیران و مردان ایران‌زمین» بنویسید که قافیه مصراع‌های آن «پاک و تابناک» باشد.																
بخش سوم: قلمرو فکری (۸ نمره)																		
۰/۵	۲۵	معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید. الف) معلّم سُشوش بود. ب) الهی، فضل خود را یار ما کن ث) به آورد با او بسنده نبود ج) ریش برمی‌کند و می‌گفت ای دریغ ح) خاک، مظهر فقر مخلوق در برابر غنای خالق است.																
۰/۵	۱	ب) مرگت چنان زندگی را به سُخره گرفت.																
۱	۱	ت) تدبیر برادران برخلاف تقدیر رحمان آمد.																
۰/۷۵	۱	ج) در چشم به هم زدنی، پشت او را به خاک رسانید.																
۰/۷۵		کافتاب نعمتم شد زیر میغ																
۰/۷۵																		

۰/۵	۲۶	حدیث: «حَاسِبُوا قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا» با کدام عبارت قرابت معنایی دارد؟ (۱) به زبان دیگر مگو و به دل دیگر مدار. (۲) واندر همه کاری داد از خویشان بده.
۰/۵	۲۷	در متن زیر، «عقل» با چه ویژگی‌هایی وصف شده است؟ چندان تناوری و بلند / که هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می‌افتد
۰/۵	۲۸	به چه دلیل نویسنده معتقد است که: «مَثَلُ قرآن، مَثَلُ آب روان است»؟
۰/۵	۲۹	هر یک از ابیات زیر، با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟ (شمارهٔ بیت را داخل کمانک بنویسید) الف) کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید ب) اشتر به شعر عرب در حالت است و طَرَب ۱) چه وجود نقش دیوار و چه آدمی که با او ۲) هر آن که گردش گیتی به کین او برخواست قضا همی‌بردش تا به سوی دانه و دام () گر ذوق نیست تو را کژطبع جانوری () سخنی ز عشق گویند و در او اثر نباشد به غیر مصلحتش رهبری کند ایام
۰/۵	۳۰	شاعر در بیت زیر، بر چه مفهومی تأکید دارد؟ تا زَبَرِ خاکی ای درخت تنومند مَگسل از این آب و خاک ریشهٔ پیوند
۰/۵	۳۱	یک ضرب‌المثل، معادل مصراع دوم بیت زیر بنویسید. نباشی بس ایمن به بازوی خویش «خورد گاو نادان ز پهلوی خویش»
۰/۵	۳۲	کدام مصراع با قسمت مشخص شده در سرودهٔ زیر ارتباط معنایی دارد؟ «تو را سپیده‌دمی در انتظار زاده‌شدن و پیکری در اشتیاق شهادت نامیدم.» ۱) بگذار بوسه زنیم بر شمشیری که در دستان توست ۲) ای دفترهای شعری که مقاومت پیشه کرده‌اید ۳) ای سرخ‌گل که فداکاری پیشه کرده‌ای ۴) تو را آب‌ها و خوشه‌ها نامیدم
۰/۵	۳۳	جملهٔ «ای کاش عظمت در نگاه تو باشد» را با سرودهٔ زیر از سهراب سپهری مقایسه کنید. «چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید.»
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید